



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Bahmani ChoobBasti A. Fazeli Kebria H. Chegin M. Investigating the role of social justice perception on citizen participation: the mediating role of trust in city councils (case study: Babol). *Urban Economics and Planning* 7(3):152-161.

DOI: [10.22034/uep.2025.551812.1734](https://doi.org/10.22034/uep.2025.551812.1734)

بررسی نقش ادراک عدالت اجتماعی بر مشارکت شهروندان: نقش میانجی اعتماد به شوراهای شهر (مطالعه موردی: شهر بابل)

اکبر بهمنی چوب بستی^۱؛ حامد فاضلی کبریا^۲؛ میثم چگین^۳

۱. دانشیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه خط مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌های مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ادراک عدالت اجتماعی بر مشارکت شهروندان با نقش میانجی اعتماد به شوراهای شهر در شهر بابل انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش شناسی، توصیفی - پیمایشی از نوع همبستگی است. متغیرهای اصلی شامل ادراک عدالت اجتماعی (در سه بعد عدالت توزیعی، رویه‌ای و تعاملی)، اعتماد به شوراها (به عنوان متغیر میانجی)، و مشارکت شهروندان (به عنوان متغیر وابسته) هستند. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان شهر بابل در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ است که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه ۳۶۸ نفر تعیین و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و سپس تصادفی ساده استفاده شد. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد ادراک عدالت اجتماعی از نیهوف و مورمان (۱۹۹۳)، اعتماد نهادی از مایر و دیویس (۱۹۹۹) و مشارکت اجتماعی از چوپانی (۲۰۱۰) گردآوری و پایایی آن‌ها با ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ تأیید شد. تحلیل داده‌ها از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل و تحلیل‌های توصیفی با اس.پی.اس.انجام گرفت. یافته‌های آماری نشان داد ادراک عدالت اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری بر مشارکت شهروندان ندارد ($\beta=0.05, p>0.05$)، اما بر اعتماد به شوراها تأثیر مثبت و معناداری دارد ($\beta=0.55, p<0.01$) و اعتماد به شوراها نیز به طور معنادار بر مشارکت شهروندان اثرگذار است ($\beta=0.63, p<0.01$). به این ترتیب، اعتماد به شوراها نقش میانجی کامل در رابطه بین ادراک عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندان ایفا می‌کند ($\beta=0.25, p<0.01$). این نتایج بیانگر آن است که در شرایط محلی شهر بابل، ارتقای سطح اعتماد عمومی به شوراها می‌تواند سازوکار مؤثری برای افزایش مشارکت شهروندی از مسیر تقویت ادراک عدالت اجتماعی باشد.

کلمات کلیدی

* نویسنده مسئول: chegin@ut.ac.ir

عدالت اجتماعی

ادراک عدالت اجتماعی

اعتماد به شوراهای شهر

مشارکت شهروندان

نقش میانجی

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، با افزایش اهمیت نقش مردم در اداره جوامع و گسترش نظام‌های مردم‌سالار، مفهوم مشارکت شهروندی به یکی از محورهای اصلی در مطالعات سیاسی، اجتماعی و مدیریت شهری تبدیل شده است. امروزه حق تعیین سرنوشت توسط مردم، اصلی بنیادین در نظام‌های دموکراتیک جهان به شمار می‌رود (Azadi & Sadeghi, 2023). مشارکت شهروندی فرایندی است که در آن تمامی گروه‌های اجتماعی در مراحل مختلف توسعه اجتماعی و محلی سهیم می‌شوند و از این طریق توانمندی‌های خود را برای پیشبرد اهداف جمعی به کار می‌گیرند (Izadi & Akrami, 2015). حضور فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، عاملی اساسی در تحقق توسعه پایدار و ارتقای کیفیت حکمرانی محلی است. بنابراین، شناخت عواملی که می‌توانند زمینه‌ساز افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های محلی شوند، برای مدیران شهری و سیاست‌گذاران حوزه حکمرانی محلی اهمیت ویژه‌ای دارد (Pirhabai & Rahmani, 2017).

در چارچوب نظری، مشارکت شهروندی بر اساس دیدگاه لوین (۱۹۴۸) به عنوان بخشی از فرایند تغییر اجتماعی تعریف می‌شود که در آن افراد به صورت فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات جمعی مشارکت دارند (Zahedi & Mortazavi, 2010). بر همین اساس، مشارکت را می‌توان فرایندی دانست که طی آن، تمامی اعضای جامعه در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای امور سهیم‌اند. در مدل‌های جدید مدیریت شهری، مشارکت شهروندی بر پایه سه مؤلفه درگیر شدن ذهنی و عاطفی، یاری‌رسانی در تحقق اهداف گروهی و احساس مسئولیت نسبت به نتایج شکل می‌گیرد. در این میان، اکبری و امیرمحمدی (۱۳۹۵) چهار شاخص کلیدی برای سنجش مشارکت شهروندی معرفی کرده‌اند: مشارکت در تعیین اهداف، مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در حل مسائل و مشارکت در تغییر اجتماعی (Akbari & Amirmohammadi, 2011). در نظام حکمرانی محلی ایران، شوراهای اسلامی شهر نقش محوری در تحقق مشارکت شهروندی ایفا می‌کنند. این شوراهای طبق اصل یک‌صدم قانون اساسی و قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی (مصوب ۱۳۷۵)، به عنوان نهادهای منتخب مردم، مسئول نظارت بر امور شهری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی هستند. با این حال، مطالعات تجربی نشان داده‌اند صرف وجود شوراهای نمی‌تواند به تنهایی به ارتقای مشارکت منجر شود؛ بلکه اعتماد عمومی شهروندان به شوراهای عامل تعیین‌کننده در اثرگذاری این نهادهاست (Mehdawi, Najafi Kani, & Mesibi, 2014).

از دیدگاه نظری، مفهوم اعتماد به عنوان یکی از پایه‌های تعامل اجتماعی و سیاسی، در نظریه سرمایه اجتماعی پورتز (۱۹۹۸) جایگاه برجسته‌ای دارد. وی اعتماد را نوعی سرمایه اجتماعی می‌داند که مشارکت مؤثر شهروندان در امور عمومی را تسهیل می‌کند (Putnam, 1998). در ادبیات نظری، سه مؤلفه اصلی اعتماد عبارت‌اند از: توانایی (competence)، خیرخواهی (benevolence) و صداقت (integrity)، که در مجموع زمینه‌ساز اعتماد شهروندان به نهادهای عمومی از جمله شوراهای شهری هستند (Alvani & Danaeifard, 2001; Ahmadi & Bazrafshan, 2013). به بیان دیگر، هرچه شهروندان درک بهتری از شفافیت، پاسخ‌گویی و خیرخواهی نهادهای شهری داشته باشند، میزان مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های محلی افزایش خواهد یافت.

در کنار اعتماد، مفهوم عدالت اجتماعی نیز از نظریه‌های بنیادین علوم اجتماعی است که تأثیر قابل توجهی بر رفتارها و نگرش‌های شهروندان دارد (Camgoz & Karapinar, 2011). نظریه‌های عدالت از جمله نظریه برابری آدامز (۱۹۶۵) و مدل‌های متأخرتر کولکوئیت و گرینبرگ (۲۰۰۱)، بر این فرض استوارند که ادراک عدالت بر واکنش‌های رفتاری افراد نسبت به نهادها تأثیرگذار است (Adams, 1965; Colquitt, Conlon, Wesson, Porter, & Ng, 2001; Greenberg, 1990; Moorman, 1991; Tyler, 1989). عدالت اجتماعی شامل سه بعد عدالت توزیعی (برابری در تخصیص منابع و مزایا) (Deutsch, 1985; Adams, 1965)، عدالت رویه‌ای (انصاف در فرایند تصمیم‌گیری‌ها) (Lind & Tyler, 1988; Colquitt et al., 1992; Thibaut & Walker, 1975; Tyler & Lind, 2001) و عدالت مراددهای (رفتار محترمانه و صادقانه در تعاملات) (Bies & Moag, 1986; Bies, 1987; Tyler & Bies, 1990; Cropanzano, Bowen, & Gilliland, 2007; Greenberg, 1993) است. ادراک مثبت از عدالت در نهادهای شهری، اعتماد شهروندان به شوراهای افزایش می‌دهد و به تبع آن، زمینه مشارکت فعال‌تر آنان را فراهم می‌کند.

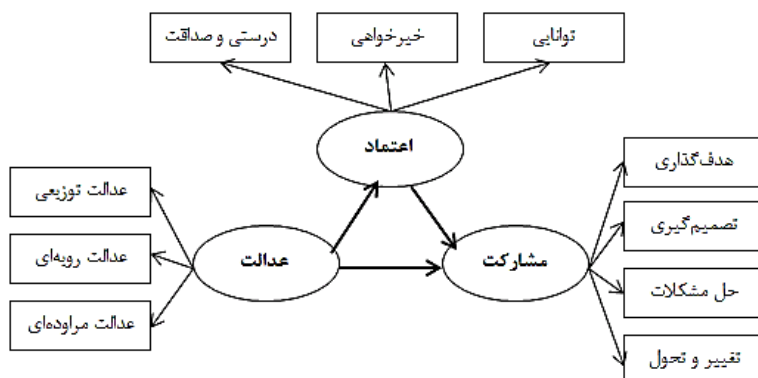
در مجموع، بررسی میان‌بانی نظری و مطالعات پیشین نشان می‌دهد مشارکت شهروندی، اعتماد نهادی و ادراک عدالت اجتماعی سه مؤلفه به هم پیوسته‌اند که در بستر حکمرانی شهری نقش تقویت‌کننده متقابل دارند. مشارکت شهروندان زمانی محقق می‌شود که نهادهای محلی همچون شوراهای توانایی، شفافیت، صداقت و خیرخواهی لازم برخوردار باشند و بتوانند اعتماد عمومی را به خود جلب کنند. از سوی دیگر، شهروندان هنگامی به تصمیمات و فرایندهای شهری مشارکت فعال نشان می‌دهند عدالت در توزیع منابع، عدالت در فرایندهای تصمیم‌گیری و عدالت در تعاملات نهادی را تجربه کنند. بر همین اساس، ادبیات نظری تأکید می‌کند که عدالت اجتماعی به عنوان یک ادراک بنیادین، پیش‌زمینه‌ای برای شکل‌گیری اعتماد نهادی است و اعتماد نیز به عنوان سازوکار واسطه‌ای، مشارکت شهروندان را تقویت می‌کند. با توجه به شکاف مطالعاتی موجود در ادبیات ایران در خصوص بررسی هم‌زمان این سه متغیر در بستر شوراهای اسلامی شهر، پژوهش حاضر با تکیه بر این چارچوب نظری به دنبال آزمون تجربی این روابط در شهر بابل است.

با وجود اهمیت نظری عدالت و اعتماد در افزایش مشارکت شهروندی، شکاف قابل توجهی در ادبیات تجربی ایران نسبت به بررسی هم‌زمان این متغیرها در بستر شوراهای اسلامی شهر وجود دارد. اغلب پژوهش‌های داخلی به صورت منفرد به هر یک از این مفاهیم پرداخته‌اند و کمتر مطالعه‌ای روابط علی بین عدالت اجتماعی، اعتماد نهادی و مشارکت شهروندی را در سطح محلی آزموده است. از این رو، پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه عدالت اجتماعی آدامز (۱۹۶۵) و نظریه سرمایه اجتماعی پورتز (۱۹۹۸)، به بررسی تأثیر ادراک عدالت اجتماعی بر مشارکت شهروندان با نقش میانجی اعتماد به شوراهای اسلامی شهر در بابل می‌پردازد.

مسئله پژوهش از این واقعیت ناشی می‌شود که کاهش اعتماد عمومی و ضعف در ادراک عدالت اجتماعی در میان شهروندان، از مهم‌ترین موانع تحقق مشارکت مؤثر در مدیریت شهری بابل است. بنابراین، پرسش اصلی این است که:

آیا ادراک عدالت اجتماعی بر مشارکت شهروندان با نقش میانجی اعتماد به شوراهای اسلامی شهر تأثیر دارد؟

بر این اساس، فرضیات پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:
 ادراک عدالت تأثیر معناداری بر مشارکت شهروندان دارد.
 ادراک عدالت تأثیر معناداری بر اعتماد به شوراهای اسلامی دارد.
 اعتماد به شوراهای اسلامی تأثیر معناداری بر مشارکت شهروندان دارد.



شکل ۱. مدل پژوهش

Seyedjavadin, Abdi, Yazdani, & Pourouli, 2013; Hadavi Nejad & Abbasi, 2014; Abbasi, Karimi, Hosseini, & Hosseinabadi, 2016; Zahedi & Ghorbani, 2017; Danaei, Meshaiikh, & این (Hosseini, 2015; Azadian & Malek Mohammadi, 2017). شواهد نشان می‌دهد بررسی هم‌زمان روابط بین ادراک عدالت، اعتماد و مشارکت شهروندی می‌تواند خلأ پژوهشی مهم را پر کند و به توسعه ادبیات نظری این حوزه کمک کند.

۳. محدوده مورد مطالعه

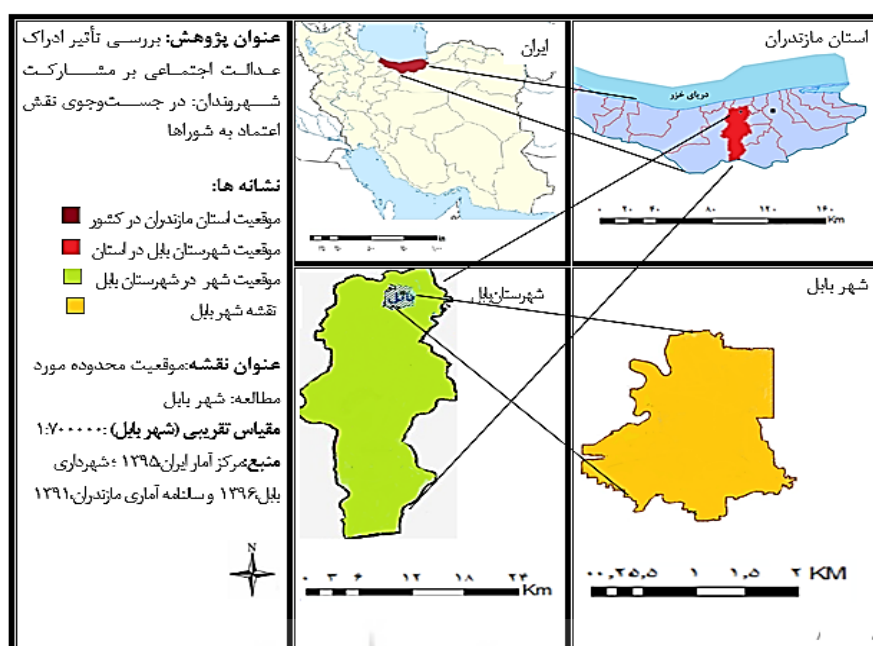
شهر بابل به عنوان مرکز شهرستان بابل، از پرجمعیت‌ترین مناطق استان مازندران است و از لحاظ جغرافیایی در مختصات ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این شهر حدود ۲۱۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر بابل برابر با ۲۵۰'۲۱۷ نفر و جمعیت کل شهرستان برابر با ۵۳۱'۹۳۰ نفر گزارش شده است. مساحت شهرستان تقریباً ۱'۵۷۸ کیلومتر مربع بوده و شامل هفت بخش به نام‌های بابل‌کنار، بندپی شرقی، بندپی غربی، گتاب، لاله‌آباد، بخش مرکزی و امیرکلا است (سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۹۴). از نظر همسایگی، شهرستان بابل از شمال با شهرستان‌های بابلسر و فریدونکنار، از شمال شرق با سیمرغ، از شرق با قائم‌شهر و سوادکوه شمالی، از جنوب شرق با سوادکوه، از غرب با آمل و از جنوب با رشته‌کوه البرز و شهرستان فیروزکوه (استان تهران) هم‌مرز است (همان منبع).

۲. پیشینه تحقیق

مرور پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در حوزه‌های مدیریت دولتی، مدیریت شهری و علوم اجتماعی مطالعات متعددی به بررسی ارتباط هر یک از متغیرهای پژوهش حاضر با سایر متغیرها پرداخته‌اند. با این حال، پژوهش‌هایی که به صورت هم‌زمان روابط بین سه متغیر «ادراک عدالت»، «اعتماد» و «مشارکت شهروندی» را مورد بررسی قرار داده باشند، بسیار اندک‌اند. در واقع، تا زمان انجام این مطالعه، تحقیقی که ارتباط هم‌زمان این سه متغیر را در یک مدل یکپارچه تحلیل کرده باشد، توسط پژوهشگران حاضر شناسایی نشد.

به عنوان نمونه، پژوهش‌های رضایی علی بابالو (۲۰۱۵)، حضرتی جهان و همکاران (۲۰۱۷) و رضایی علی بابالو و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین ادراک عدالت و مشارکت شهروندان پرداخته و وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار میان این دو متغیر را گزارش کرده‌اند. همچنین، مطالعات حدادنیا (۲۰۱)، دانایی فرد و همکاران (۲۰۱۶)، جواهری کمال (۲۰۰۷) و تبرسا (۲۰۱۰) رابطه ادراک عدالت و اعتماد را بررسی کرده و نتایج مشابهی به دست آورده‌اند. افزون بر این، نتایج تحقیقات اذکیا و حسنی راد (۲۰۰۹)، علی‌پور و همکاران (۲۰۰۹)، رجبی فرجاد و همکاران (۲۰۱۴)، مالکی و امیدوار (۲۰۱۵)، نیوتن (۲۰۱۰)، روتشتاین و اوسلنر (۲۰۰۵)، زمرلی و نیتون (۲۰۰۸) و کلی (۲۰۰۹) مؤید وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار میان اعتماد و مشارکت شهروندان است.

از سوی دیگر، متغیر اعتماد در پژوهش‌های متعددی به عنوان عامل میانجی میان متغیرهای مختلف به کار رفته و نقش واسطه‌ای آن در تقویت اثرگذاری عدالت و مشارکت مورد تأیید قرار گرفته است



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر بابل در استان مازندران

بابل)، سپس، از هر منطقه چند محله به عنوان خوشه انتخاب شد (مرحله اول: خوشه‌ای چندمرحله‌ای)، و در مرحله دوم، در هر محله منتخب، با استفاده از روش تصادفی ساده، نمونه‌ها انتخاب شدند. بر این اساس، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970) حجم نمونه ۳۶۸ نفر تعیین شد؛ شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تعیین خوشه‌ها به تفکیک دو منطقه شمالی و جنوبی شهر انجام شد تا نمایندگی مناسبی از کل جمعیت هدف فراهم شود. با لحاظ احتمال بازگشت ناقص پرسشنامه‌ها، تعداد ۴۵۰ پرسشنامه بین شهروندان توزیع شد که در نهایت ۳۹۴ پرسشنامه کامل و معتبر برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

۲.۴. ابزار گردآوری داده‌ها

اطلاعات مورد نیاز از دو طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه میدانی گردآوری شد. - در بخش کتابخانه‌ای، از منابعی همچون کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های آماری و اسناد رسمی به منظور تدوین مبانی نظری پژوهش، تبیین پیشینه مطالعاتی، شناسایی متغیرهای کلیدی و طراحی مدل مفهومی تحقیق استفاده شد. - در بخش میدانی، داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد گردآوری شد که روایی و پایایی آن‌ها پیش‌تر در مطالعات معتبر تأیید شده است.

پرسشنامه‌ها شامل سه بخش اصلی بودند:

۱. ادراک عدالت (بر اساس پرسشنامه [۵۶]) با سه بعد:
 - عدالت توزیعی (۵ سؤال)
 - عدالت رویه‌ای (۶ سؤال)
 - عدالت مراوده‌ای (۹ سؤال)
۲. اعتماد (بر اساس پرسشنامه [۵۷]) با سه بعد:
 - توانایی (۶ سؤال)

در بعد شهری و مدیریتی، نهاد شورای اسلامی شهر بابل، با ترکیب «۹ عضو اصلی» انتخاب‌شده در دوره ششم، نقش مؤثری در ساختار حکمرانی محلی شهر دارد. براساس اطلاع‌رسانی رسمی، اسامی ۹ منتخب اصلی دوره ششم شورای شهر اعلام شده‌اند. این شورا با کمیسیون‌های تخصصی نظیر «فنی و عمرانی»، «خدمات شهری و محیط زیست»، «حمل‌ونقل و ترافیک»، «سیما، منظر و فضای سبز»، «برنامه و بودجه»، «املاک و حقوقی»، و «طرح‌ریزی شهری و ساختمانی» فعالیت دارد و جلسات منظم ماهانه خود را با حضور شهردار و نمایندگان بخش‌های اجرایی برگزار می‌کند. از مهم‌ترین فرایندهای عملیاتی شورا می‌توان به تصویب بودجه سالانه شهرداری، نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی، رسیدگی به شکایت‌های شهروندان، حمایت از برنامه‌های فرهنگی و زیست‌محیطی، و تعامل با نهادهای استانی اشاره کرد. شورا همچنین از طریق سامانه اطلاع‌رسانی رسمی خود، گزارش عملکرد، مصوبات و طرح‌های توسعه شهری را منتشر می‌سازد. با توجه به گستردگی فعالیت‌ها، ترکیب تخصصی اعضا، و پیوند مستقیم شورا با مدیریت شهری، نهاد شورای اسلامی شهر بابل به عنوان محور اصلی تصمیم‌سازی محلی، زمینه‌ای پویا برای تحلیل مؤلفه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، شفافیت نهادی و مشارکت شهروندان فراهم کرده است.

۴. مواد و روش تحقیق

۴.۱. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در مطالعه حاضر، جامعه آماری شامل تمامی شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر بابل در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر بابل برابر با ۲۵۰،۲۱۷ نفر بوده که تقریباً ۷۰ درصد (حدود ۱۷۵ هزار نفر) شهروند ۱۸ سال به بالا هستند. روش نمونه‌گیری این‌گونه تعیین شد که نخست شهر به دو منطقه شهری (شمالی و جنوبی) تقسیم شد (مرجع تقسیم‌بندی شهری

○ خیرخواهی (۵ سؤال)

○ صداقت (۶ سؤال)

۳. مشارکت شهروندی (بر اساس پرسشنامه [۵۸]) با چهار بعد:

○ هدف‌گذاری (۴ سؤال)

○ تصمیم‌گیری (۴ سؤال)

○ حل مسئله (۴ سؤال)

○ تغییر و تحول اجتماعی (۴ سؤال)

تمامی گویه‌ها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تنظیم شده‌اند.

۳.۴. پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری

برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. به این منظور، پیش‌آزمونی با ۳۰ پرسشنامه انجام و داده‌های حاصل با نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. نتایج (جدول ۱) نشان داد مقدار آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها بزرگ‌تر از ۷/۰ است؛ بنابراین ابزار مورد استفاده از پایایی قابل قبول برخوردار است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه

عامل	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
عدالت	۲۰	۰/۷۸
اعتماد	۱۷	۰/۷۶
مشارکت	۱۶	۰/۷۷
کل	۵۳	۰/۸۴

از سوی دیگر، برای سنجش روایی از دو روش استفاده شد:

بررسی قرار گرفت. شاخص‌های برازش مدل (جدول ۲) نشان دادند مدل اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردار است؛ به گونه‌ای که مقادیر شاخص‌ها در دامنه مطلوب قرار دارند (یعنی $\chi^2/df < 3$ ، $GFI > 0.9$ و $RMSEA < 0.1$). این نتایج بیانگر مناسب بودن مقیاس‌های سنجش متغیرها و تأیید روایی سازه ابزار است.

۱. روایی محتوا: پرسشنامه‌ها به تأیید چند تن از اساتید دانشگاه و خبرگان حوزه مدیریت شهری رسید و از نظر تناسب گویه‌ها با ابعاد مفهومی مورد تأیید قرار گرفت.

۲. روایی سازه: از طریق تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم‌افزار LISREL ارزیابی شد. در این تحلیل، روابط بین متغیرهای پنهان عدالت، اعتماد و مشارکت با شاخص‌های اندازه‌گیری آن‌ها مورد

جدول ۲. نکویی برازش ابزار اندازه‌گیری

اندازه شاخص	آزمون نکویی برازش
۲/۵۹۱۸	نسبت خی دو روی درجه آزادی
۰۰۰۰	معناداری آماری
۰/۰۸۶	ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین
۰/۹۳	شاخص نیکویی برازش
۰/۹۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده

۵. یافته‌ها

۱.۵. تحلیل توصیفی و آزمون میانگین

به منظور بررسی وضعیت موجود متغیرهای پژوهش در جامعه آماری، از آزمون میانگین یک‌نمونه‌ای استفاده شد. در این آزمون، میانگین پاسخ‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد با مقدار مبنا (۳) مقایسه شد. مقدار میانگین بزرگ‌تر از ۳ بیانگر وضعیت مطلوب‌تر

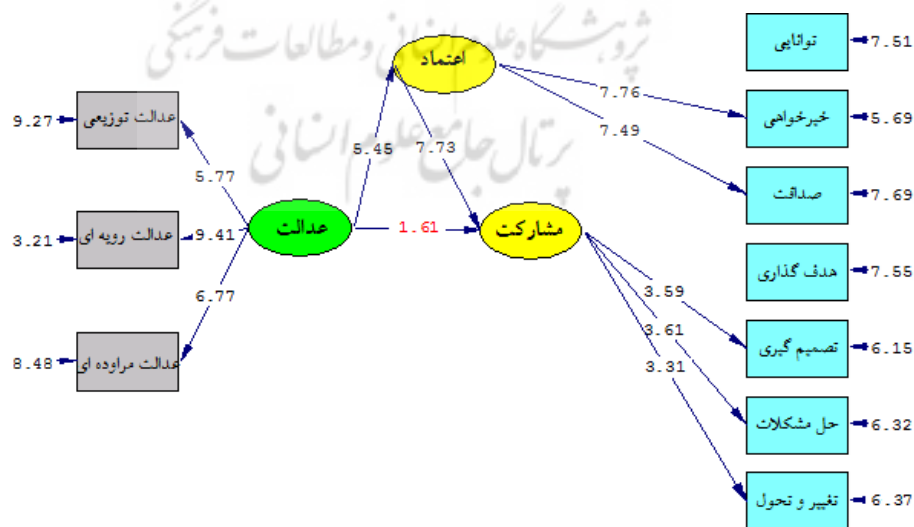
متغیر مورد نظر است. این آزمون با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد و نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج نشان داد سطح ادراک عدالت، اعتماد به شوراها و میزان مشارکت شهروندان در شهر بابل، همگی بالاتر از حد متوسط بوده و از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردارند.

جدول ۳. نتایج آزمون آماری

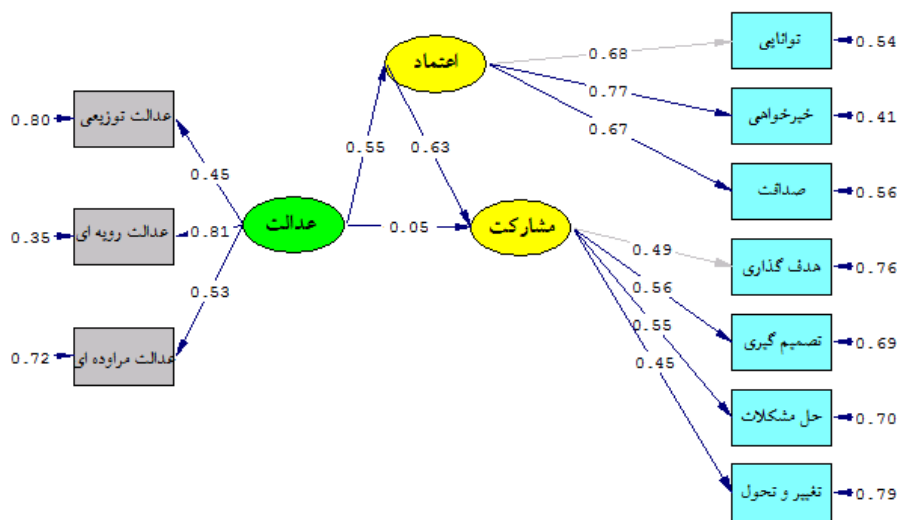
شاخص‌ها / ابعاد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین	۹۵ درصد فاصله اطمینان برای تفاوت		وضعیت
							حد پایین	حد بالا	
عدالت توزیعی	۳/۹۸۱	۰/۴۸۰	۳۰/۰۷۵	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۹۸۱	۰/۹۱۷	۰/۰۴۵۹	مناسب
عدالت رویه‌ای	۴/۲۱۵	۰/۴۵۷	۳۹/۱۰۹	۳۹۳	۰۰۰۰.	۱/۲۱۵	۱/۱۵۳	۱/۲۷۶۳	مناسب
عدالت مراده‌ای	۴/۱۴۱	۰/۳۸۰	۴۴/۱۸۷	۳۹۳	۰۰۰۰.	۱/۱۴۱	۱/۰۹۰	۱/۱۹۲۲	مناسب
عدالت	۴/۱۱۲	۰/۳۳۲	۴۹/۲۷۲	۳۹۳	۰۰۰۰.	۱/۱۱۲	۱/۰۶۸	۱/۱۵۷	مناسب
توانایی	۳/۹۶۷	۰/۴۷۰	۳۰/۲۸۳	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۹۶۶	۰/۹۰۴	۱/۰۲۹	مناسب
خیرخواهی	۳/۹۴۳	۰/۶۹۰	۲۰/۱۳	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۹۴۳	۰/۸۵۱	۱/۰۲۶	مناسب
صداقت	۳/۸۸۲	۰/۵۶۴	۲۳/۰۱۴	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۸۸۲	۰/۸۰۶	۰/۹۵۸	مناسب
اعتماد	۳/۹۳۱	۰/۴۷۰	۲۹/۱۶۶	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۹۳۱	۰/۸۶۸	۰/۹۴۴	مناسب
هدف‌گذاری	۳/۴۲۷	۰/۶۱۲	۱۰/۲۸	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۴۲۷	۰/۳۴۵	۰/۵۰۹	متوسط
تصمیم‌گیری	۳/۵۵۰	۰/۶۴۰	۱۲/۶۶	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۵۵۰	۰/۴۶۵	۰/۶۳۶	مناسب
حل مشکلات	۳/۲۹۲	۰/۵۴۷	۷/۸۷۱	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۲۹۲	۰/۲۱۹	۰/۳۶۵	متوسط
تغییر و تحول	۳/۵۷۰	۰/۶۴۱	۱۳/۰۸۸	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۵۷۰	۰/۴۸۴	۰/۶۵۶	مناسب
مشارکت	۳/۴۶۰	۰/۳۶۸	۱۸/۴۰۸	۳۹۳	۰۰۰۰.	۰/۴۶۰	۰/۴۱۱	۰/۵۰۹	متوسط

۲.۵. آزمون مدل مفهومی و فرضیات پژوهش

برای آزمون روابط علی میان متغیرهای پژوهش، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار LISREL استفاده شد. شکل‌های ۳ و ۴ به ترتیب مدل معادلات ساختاری را بر اساس ضرایب استاندارد و اعداد معناداری نشان می‌دهند. براساس نتایج حاصل، هرگاه مقدار عدد معناداری (t-value) بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از -۱/۹۶ باشد، رابطه بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار تلقی می‌شود.



شکل ۳. مدل اعداد معناداری



شکل ۴. مدل روابط علی

جدول ۴ خلاصه روابط میان متغیرها را بر اساس مدل علی و مقادیر معناداری ارائه می‌دهد. بر اساس نتایج:

(۱) ادراک عدالت اثر مثبت و معناداری بر اعتماد به شوراهای اسلامی دارد.

(۲) اعتماد به شوراهای تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت شهروندان دارد.

(۳) ادراک عدالت نیز به طور مستقیم بر مشارکت شهروندان اثرگذار است.

(۴) در مدل نهایی، نقش میانجی اعتماد در رابطه بین عدالت و مشارکت مورد تأیید قرار گرفت.

به بیان دیگر، اعتماد به شوراهای نقش واسطه‌ای مهمی در انتقال اثر ادراک عدالت به مشارکت شهروندی ایفا می‌کند و موجب تقویت تعامل شهروندان با نهادهای شهری می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

شماره	فرضیه	ضریب استاندارد (R)	عدد معناداری (t)	نتیجه آزمون فرضیه
۱	عدالت ← مشارکت	۰/۰۵	۱/۶۱	رد
۲	عدالت ← اعتماد	۰/۵۵	۵/۴۵	تأیید
۳	اعتماد ← مشارکت	۰/۶۳	۷/۷۳	تأیید
۴	عدالت ← اعتماد ← مشارکت	۰/۲۵	۳/۸۲	تأیید

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ادراک عدالت بر مشارکت شهروندان با نقش میانجی اعتماد به شورای شهر بابل بود. تحلیل یافته‌ها نشان داد ادراک کلی شهروندان از عدالت اجتماعی در سطح مطلوبی قرار دارد، اما عدالت توزیعی نسبت به سایر ابعاد عدالت (رویه‌ای و مراوده‌ای) پایین‌تر ارزیابی شد. این نتیجه با نظریه عدالت توزیعی (Rawls, 1971) همسو است و نشان می‌دهد تخصیص منابع و مزایا به شیوه‌ای منصفانه، زمینه‌ساز اعتماد و مشارکت بیشتر شهروندان خواهد بود.

با وجود اینکه ادراک عدالت مستقیم بر مشارکت شهروندان اثر معنادار نداشت ($\beta = 0.05$; $t = 1.61$)، این یافته نشان می‌دهد عدالت به تنهایی نمی‌تواند محرک کافی برای مشارکت فعال شهروندان باشد و تأکید بیشتری بر نقش متغیرهای میانجی نظیر اعتماد ضروری است. این موضوع با نظریه سرمایه اجتماعی (Putnam, 1998) قابل توضیح است، چرا که بر اساس این نظریه، اعتماد

اجتماعی یکی از مؤلفه‌های کلیدی است که ارتباط بین نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان را شکل می‌دهد و زمینه‌ساز تعامل مؤثر افراد با نهادهای عمومی و مشارکت در امور جمعی می‌شود. از منظر عدالت سازمانی، ادراک عدالت در تخصیص منابع، شفافیت فرایندها و رفتارهای مراوده‌ای، فقط ایجاد حس رضایت و انصاف در شهروندان نمی‌کند، بلکه بدون شکل‌گیری اعتماد، این ادراک‌ها نمی‌توانند به مشارکت واقعی و اثرگذار تبدیل شوند.

یافته‌های پژوهش نشان دادند ادراک عدالت تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد شهروندان دارد ($\beta = 0.55$; $t = 5.45$)، که با مطالعات جواهری کمال (۲۰۰۷)، تابارسا (۲۰۰۷)، حدادینیا (۲۰۱۰) و دانایی‌فرد و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. این اثر مثبت حاکی از آن است که هر چه شهروندان فرایندها و توزیع منابع را عادلانه‌تر ارزیابی کنند، به توانایی، صداقت و خیرخواهی شوراهای اعتماد بیشتری خواهند داشت. به بیان دیگر، عدالت ادراک‌شده، اعتماد را به عنوان واسطه‌ای ضروری برای تحقق مشارکت فعال شکل

می‌دهد و زمینه تعامل سازنده بین مردم و نهادهای مدیریتی را فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، اعتماد شهروندان تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت آنان در امور شهری داشت ($\beta = 0.63$; $t = 7.73$)، که با مطالعات از کیا و حسنی راد (۲۰۰۹) و کلی (۲۰۰۹) مطابقت دارد. این یافته بیانگر این است که اعتماد نهادی، ظرفیت شهروندان برای مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌ها، حل مسائل، هدف‌گذاری و تغییرات اجتماعی را تقویت می‌کند و بدون آن، حتی در صورت وجود عدالت نسبی، مشارکت محدود باقی خواهد ماند. تحلیل مسیرهای غیرمستقیم نیز نشان داد اعتماد به شوراها نقش میانجی مؤثری در رابطه بین ادراک عدالت و مشارکت ایفا می‌کند. این موضوع تأکید می‌کند که عدالت و اعتماد به صورت زنجیره‌ای با یکدیگر عمل می‌کنند: عدالت ادراک‌شده پایه و اساس اعتماد را فراهم می‌آورد و اعتماد به نوبه خود محرک مستقیم مشارکت فعال شهروندان است.

به بیان تحلیلی، این یافته‌ها نشان می‌دهد برای تحقق مشارکت واقعی و مؤثر شهروندان، سیاست‌گذاران و اعضای شورا باید علاوه بر اجرای عدالت در تخصیص منابع و فرایندها، بر ایجاد، تقویت و حفظ اعتماد شهروندان به نهادهای محلی نیز تمرکز کنند. اعتماد نهادی شامل توانایی، خیرخواهی و صداقت شوراها است و بدون شکل‌گیری آن، عدالت فقط در حد ادراک باقی می‌ماند و تأثیر قابل توجهی بر رفتار مشارکتی شهروندان نخواهد داشت. به همین دلیل، مسیر تحقق مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری، یک مسیر دوسویه و ترکیبی است که عدالت ادراک‌شده و اعتماد نهادی به طور هم‌زمان عمل می‌کنند.

در حوزه‌های مختلف مشارکت، مشارکت در تصمیم‌گیری و تغییر و تحول اجتماعی نسبت به هدف‌گذاری و حل مسائل کمی بالاتر بود، که با نظریه‌های مشارکت شهروندی (Levine, 1948) و مطالعات اکبری و امیرمحمودی (۲۰۱۶) همسو است. این امر نشان می‌دهد عوامل انگیزشی و اعتماد اجتماعی نقش مهمی در فعال شدن مشارکت دارند و شوراها باید با تقویت شفافیت، پاسخ‌گویی و صداقت، زمینه بروز مشارکت واقعی را فراهم کنند.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به تمرکز جغرافیایی بر یک شهر (بابل) اشاره کرد که ممکن است تعمیم یافته‌ها به سایر شهرها محدودیت داشته باشد. همچنین، استفاده از پرسش‌نامه‌های خوداظهاری ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهنده همراه باشد و تنها بازتابی از ادراکات شهروندان باشد، نه رفتار واقعی. محدودیت زمانی مطالعه و انجام آن در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ نیز ممکن است بر نتایج اثر گذاشته باشد.

بر اساس یافته‌های تحلیلی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

• شورای شهر باید نقش هماهنگ‌کننده بین مردم و نهادهای مدیریتی را تقویت کند و رویکرد شهروندمداری و حکمرانی مشارکتی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهد.

• اعضای شورا با تعاملات چهره‌به‌چهره، پیگیری مستمر خواسته‌ها و پاسخ‌گویی شفاف به مطالبات شهروندان، می‌توانند احساس بی‌قدرتی را کاهش و مشارکت را افزایش دهند.

• حضور فعال اعضای شورا در اجتماعات محلی و مراسم فرهنگی - مذهبی می‌تواند حس برادری و برابری و پیوند عاطفی شهروندان با شورا را تقویت کند.

• شوراها باید از دخالت منافع شخصی در تصمیم‌گیری‌ها پرهیز کرده و با ارائه شفاف دلایل اقدامات، اعتماد و ادراک عدالت شهروندان را تقویت کنند.

• مدیریت شهری با کاهش تبعیض‌ها، اجرای عدالت در تخصیص منابع و پروژه‌های بهسازی و ارتقای شفافیت، می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را تقویت کند.

• در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ادراک عدالت، با میانجیگری اعتماد شهروندان، تأثیر قابل توجهی بر مشارکت آنان دارد و ارتقای اعتماد نهادی، شرط لازم برای بهره‌مندی از مزایای عدالت اجتماعی و توسعه مشارکت فعال شهروندان است.

مشارکت نویسندگان

سهام مشارکت نویسنده اول ۳۴ درصد، نویسنده دوم ۳۳ درصد و نویسنده سوم ۳۳ درصد بوده است.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- Adams, J. S. (1965). Inequity in social exchange. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology* (Vol. 2, pp. 267–299). New York: Academic Press. [https://doi.org/10.1016/S0065-2601\(08\)60108-2](https://doi.org/10.1016/S0065-2601(08)60108-2)
- Ahmadi A., & Bazrafshan A. (2013). The Relationship Between Management Styles, Organizational Health, and Job Stress among Employees. *Journal of New Approach in Educational Management*, 5(2): 73–90. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/409646/fa>
- Akbari M., & Amirmohammadi N. (2011). Relationship Between Social Participation and Job Satisfaction in the Government Offices of Bandar Abbas City. *Journal of Social Development*, 10(4): 149–170. [In Persian]. <http://noo.rs/dUM0v>
- Ali Pour P., Zahedi M. J., & Shiani M. (2009). The Relationship Between Trust and Social Participation in Tehran. *Iran Journal of Sociology*, 10(2): 109–135. [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1388.10.2.5.9>
- Alvani S. M., & Danaeifard H. (2001). Public Administration and Public Trust. *Management Knowledge*, 55: 5–28. [In Persian]. <https://ensani.ir/file/download/article/20100929155019>
- Azadian M., & Malek Mohammadi M. (n.d.). Examining the Mediating Role of Intra-Organizational Trust in the Relationship Between Dimensions Of Organizational Justice and Organizational Citizenship Behavior Among Employees of Golestan Province Customs. *Proceedings of the 2nd International Conference on Management and Accounting*. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/642497/>
- Azadi Rikandeh H., & Sadeghi Avanser S. (2023). The Mediating Role of Trust and Citizen Participation in the Relationship Between Good Governance and Sustainable Urban Development. *Management Public Admin*, 4(4): 101–107. [In Persian]. <https://ms-journal.ir/fa/paper.php?pid=360>
- Azka M., & Hasani Rad K. (2009). The Role of Social Trust in People's Participation in Rural Development Projects. *Journal of Social Sciences*, 3(1): 28. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/177004/fa>
- Banaian H., & Parehkar A. (n.d.). A Managerial Study of the Economic, Social, and Cultural Performance of Municipality and City Council

- (Case Study: Shirvan Islamic City Council). *Proceedings of the 4th International Conference on Criticism and Analysis of Management in the Third Millennium*. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/814216/>
- Bies, R. J. (1986). Interactional justice: Communication criteria of fairness. *Research on negotiation in organizations*, 1, 43-55. <https://ci.nii.ac.jp/naid/10024873472>
- Bies, R. J. (1987). Beyond "voice": The influence of decision-maker justification and sincerity on procedural fairness judgments. *Representative Research in Social Psychology*, 17, 3-14. <http://www.ojp.gov/ncjrs/virtual-library/abstracts/beyond-voice>
- Camgoz, S. M., & Karapinar, P. B. (2011). Managing job satisfaction: The mediating effect of procedural fairness. *International Journal of Business and Social Science*, 2(8), 234-243. <https://ijbss-net.com/journals/Vol. 2 No. 8%3B May 2011/30.pdf>
- Chopani H. (2010). *The Relationship Between Participatory Management and Organizational Entrepreneurship in Small and Medium-Sized Manufacturing Companies of Kurdistan Province* (Master's thesis). Islamic Azad University, Sanandaj Branch. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/313957/>
- Colquitt, J. A., Conlon, D. E., Wesson, M. J., Porter, C., & Ng, K. Y. (2001). Justice at the millennium: A meta-analytic review of 25 years of organizational justice research. *Journal of Applied Psychology*, 86(3), 425-445. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.86.3.425>
- Cropanzano, R., Bowen, D. E., & Gilliland, S. W. (2007). The management of organizational justice. *Academy of Management Perspectives*, 21(4), 34-48. <https://doi.org/10.5465/AMP.2007.27895338>
- Danaei H., Meshaiikh M. R., & Hosseini Sh. (2015). Examining the Mediating Role of Trust in the Impact of Customers' Perception of the Website on Online Purchase Intention (Case Study: Digikala Online Customers). *1st National Conference on Management and Global Economics*. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/631376/>
- Danaeifard H., Rajabzadeh A., & Hassiri S. (2009). Enhancing Intra-Organizational Trust in the Public Sector: Examining the Role of Managerial Competence. *Management Research*, 2(4): 59-90. [In Persian]. <https://www.magiran.com/p709519>
- Danaeifard I., Rahimpour A., Kamal Asl O., & Ghabadi M. (2016). The Relationship Between Organizational Justice and Organizational Trust with Job Performance. *Global Conference on Management, Economics, Accounting, and Humanities*. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/524515/>
- Deutsch, M. (1985). Equity, equality, and need: What determines which value will be used? *Journal of Social Issues*, 41(1), 137-150. <https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1975.tb01000.x>
- Greenberg, J. (1987). *A taxonomy of organizational justice theories*. Thousand Oaks, CA: Sage. <https://web.mit.edu/>
- Greenberg, J. (1990). Organizational justice: Yesterday, today, and tomorrow. *Journal of Management*, 16, 399-432. <https://doi.org/10.1177/014920639001600208>
- Greenberg, J., & Cropanzano, R. (1993). The social side of fairness: Interpersonal and informational classes of organizational justice. *Justice in the workplace: Approaching fairness in human resource management*.
- Hadadnia S. (2010). The Relationship Between Organizational Justice and Organizational Trust. *Innovative Educational Management*, 8(2): 53-70. [In Persian]. <https://sanad.iau.ir/Journal/jimte-Article/1110503>
- Hadavi Nejad M., & Abbasi F. (2014). Top Management Hypocrisy and Employee Resistance to Change. *Journal of Transformational Management Research*, 6(2): 49-71. [In Persian]. <https://doi.org/10.22067/pmt.v6i2.48103>
- Hazrati Jahan M., Jamaati Samerin Sh., & Rezaei Alibabalu H. (2017). *The Relationship Between Participatory Management and the Sense of Justice*. 4th National Conference on Iranian-Islamic Economy. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/744356/>
- Izadi M., & Akrami M. (2015). *The Role of Citizen Participation in Urban Management Development*. Civil Engineering, Architecture, and Urban Planning Conference, Shiraz. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/588379/>
- Javaheri Kamal M. (2007). The Impact of Organizational Justice, LMX, Trust, and Empowerment. *Police Human Development Monthly*, 6(24): 7-24. [In Persian]. http://pod1.jrl.police.ir/article_9413
- Kelly, D. (2009). Exploring civic participation and social trust among young minorities. *Youth & Society*, 41, 526-540. <https://doi.org/10.1177/0044118X08327584>
- Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610. <https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
- Lind, E. A., & Tyler, T. R. (1988). *The social psychology of procedural justice* (pp. 66-75). New York: Plenum Press.
- Maleki A., & Omidovar P. (2015). The Relationship Between Trust and Social Participation in Iran. *Journal of Social Cultural Development Studies*, 4(3): 133-156. [In Persian]. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-189-fa.html>
- Mayer, R. C., & Davis, J. H. (1999). The effect of the performance appraisal system on trust for management. *Journal of Applied Psychology*, 84(1), 123-136. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.84.1.123>
- Mehdawi Sh., Najafi Kani A., & Mesibi S. (2014). Survey and Analysis of Citizens' Satisfaction. *Geographical Research*, 29(2): 103-122. [In Persian]. <http://georesearch.ir/article-1-402-fa.html>
- Moorman, R. H. (1991). The relationship between organizational justice and OCB. *Journal of Applied Psychology*, 76(6), 845-855. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.76.6.845>
- Newton, K. (2001). Trust, social capital, civil society, and democracy. *International Political Science Review*, 22(2), 201-214. <https://doi.org/10.1177/0192512101222004>
- Niehoff, B. P., & Moorman, R. H. (1993). Justice as a mediator. *Academy of Management Journal*, 36, 527-556. <https://doi.org/10.2307/256591>
- Pirbabai M. T., & Rahmani J. (2017). Citizen Participation in Urban Management According to Allameh Tabatabaei's View. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 6(2): 311-331. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2018.219687.1083>
- Rajabi Farjad H., Daneshfard K., Mazaheri M. M., & Shirvani A. (2014). The Role of Public Trust in Developing Citizen Participation. *Human Resource Studies*, 4(4): 23-46. [In Persian]. <https://ensani.ir/file/download/article/65b79332cf745>
- Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Rezaei Alibabalu H. (2015). *The Relationship Between Participatory Management and Employees' Sense of Justice*. Master's thesis. [In Persian].
- Rothstein, B., & Uslaner, E. M. (2005). All for all: Equality, corruption, and social trust. *World Politics*, 58(1), 41-72. <https://doi.org/10.1353/wp.2006.0022>
- Saeidnia A. (1999). *Urban Management* (Vol. 11). Tehran: Organization of Iranian Municipalities. [In Persian].
- Sarafi M., & Abdollahi M. (2008). Analysis of the Concept of Citizenship and Evaluation of its Status. *Geographical Research*, 63: 115-134. [In Persian]. https://journal.ut.ac.ir/article_19765.html
- Seyedjavadin S. R., Abdi E., Yazdani H. R., & Pourouli B. (2013). Trust as Mediator in the Relationship Between Organizational Justice and

- OCB. *Management and Business Studies*, 5(1): 105–118. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jibm.2013.35426>
- Tabarsa G. (2010). A Model of Organizational Citizenship Behavior. *Prospect Government Management*, 1(3): 103–117. [In Persian]. https://jpap.sbu.ac.ir/article_94271.html
- Thibaut, J., & Walker, L. (1975). *Procedural justice: A psychological analysis*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Tyler, T. R. (1989). The psychological models of just motive. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6), 830–838. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.57.5.830>
- Tyler, T. R., & Bies, R. J. (1990). Beyond formal procedures. In J. S. Carroll (Ed.), *Applied social psychology and organizational settings* (pp. 77–98). Erlbaum.
- Tyler, T. R., & Lind, E. A. (1992). A relational model of authority in groups. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 25, pp. 115–191). Academic Press.
- Zahedi S., & Ghorbani A. (n.d.). *Examining the Mediating Role of Trust Between Technology Use and E-Government Acceptance*. 3rd International Conference on Management and Economics. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/597081/>
- Zahedi S., & Mortazavi L. (2010). Explaining the Mediating Role of Emotional Involvement. *Iran Journal of Management Studies*, 14(3): 121–143. [In Persian]. <https://ensani.ir/file/download/article/20120427085310>
- Zmerli, S., & Newton, K. (2008). Social trust and attitudes toward democracy. *Public Opinion Quarterly*, 72, 1–19. <https://doi.org/10.1093/poq/nfn054>

